

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین – نهم آگست ۲۰۱۵

اولین بار عملی "تهاجم فرهنگی"

إبداع و به چلند انداختن ترکیب تفرقه افگن "افغانستانی"، اولین گامی بود که از طرف جمهوری اسلامی ایران و از طریق فرد سرسپرده و غلام حلقه بگوش جمهوری "تازیانه و دار" به نام "نجیب مایل هروی" نهاده شد و این حدوداً سی و پنج سال پیش بود. این افغان خودفروش ساکن آستان قدس رضوی مشهد، به حمایت و تحت سرپرستی و هدایت مستقیم دولت "فاشیستی – کربلائی" ایران دست به کار شد و مشغول پاشیدن بذر نفاق و شقاق در جامعه افغانی!!! مطالعه رساله "بگذار تا از این شب دشوار بگذریم"^۱ این نویسنده عاق شده از دامن وطن و "افغان و افغانیت"، راز این کارستان را افشاء میکند و هیچ شک و شبهه ای باقی نمی ماند، که مبدع و مؤجد و مخترع بالوسيله کلمه نفاق انداز "افغانستانی"، همین شخص ناشخص آله دست "هیتلران زمان" است!!!!

اصطلاح منحوس "افغانستانی" بار اول در یازده سال پیش، با شلاق مقالات کوبنده، زیر ضربه گرفته شد و درین عرصه سلسله جنبان و پیشقراول کسی دیگر نبود، غیر از نویسنده وطنخواه و عاشق افغان و افغانستان – جناب ولی احمد نوری، مقیم پاریس. این درویش با الهام از مقاله هشداردهنده و تاریخی جناب نوری صاحب تحت عنوان "استعمال نام افغانستانی جرم است!!!!" در ماه اپریل ۲۰۰۴ جریده "امید"، سلسله مقالاتی را زیر عنوان "افغان، افغانی، افغانستانی"^۲

^۱ – کلمه "خودفروش" که نمیدانم کسی آن را تا حال استعمال کرده است، ولی در هر حال همین حالا بر نوک قلم جاری گشت، یعنی "کسی که خود را میفروشد". فرق این ترکیب با اصطلاح معمول سیاسی "خودفروخته" درینست، که "خودفروخته" خود را یک بار و مادام العمر فروخته است، اما "خودفروش" آنست، که خود را هر لحظه میفروشد و به هر کس میفروشد!!!!

^۲ – رساله "بگذار تا از این شب دشوار بگذریم" را نجیب مایل هروی در واقع به جواب مقالات منتشره در شماره ۲۹ مجله "آئینه افغانستان" نوشته است و هدف اصلی نوشتن این رساله هم تاختن بر جایگاه شامخ و کارنامه علمی مرحوم "پوهاند محمد نسیم نگهت سعیدی" – استاد نامدار زبانشناسی پوهنتون کابل و مؤلف کتاب فوق العاده مفید و منحصر به فرد موسوم به "قاموس دری – انگلیسی". درین مورد عن قریب ضمن مقاله مستقلی روشنی لازم خواهم انداخت؛ و امیدوارم که این "عن قریب" واقعاً هم "قریب" باشد!!!!

^۳ – این سلسله مقالات بعداً در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر گردید و در جاهای بسیار دیگر. اخیراً همین سلسله را با تعدیلات و اضافات در شش بخش در پورتال خود ما، "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"، منتشر ساختم، که در آرشیفهای مختلف آن قابل دستیاب است. پسانها "افغان جرمن آنلاین" آرشیف مقالاتم را حذف کرده، خود و خوانندگان خود را از یک منبع ثقه محروم ساخت!!!!

در چار قسمت نوشته، ثبت هفته نامه "امید" نمود - و این از ماه جولای به بعد همان سال بود. به تعقیب آن مقالات فراوان دیگر روی جرائد و وبسایت‌های اینترنتی آمده رفتند. البته دلسوزان دیگر هم در زمینه قدم گذاشتند و با قلم خود کله و کاپوس این کلمه نحس و پلید را کوفته رفتند. نتیجه این فعالیت وسیع و دسته جمعی وطنخواهان چنان شد، که فکر میشد غائله خاموش گشته و اصطلاح "افغانستانی" رفته است پشت کلاه خود!!!

اما این ظاهر امر بود، چون محرک اصلی توطئه؛ یعنی رژیم "فاشیستی - مذهبی" ایران دست از خصومت نگرفته بود و یکرنگ آب زیر پلال میدوانید. این رژیم منحوس، گماشتگان و معاشخوران و جیره گیران افغان را که در دامن پر حيله و مکر و نیرنگ خود پرورده بود، وارد کارزار کرد - ابتداء در زمان جهاد و بعداً در دوره دموکراسی استعماری امریکائی در کابل و در دستگاه‌های مختلف دولت مستعمراتی؛ از حکومت گرفته تا ولسی جرگه و حتی قوه به اصطلاح قضائیه. نوکران زرخرید ایران شاهرگهای دستگاه‌های تبلیغاتی؛ یعنی مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی مدرن و مؤسسات تعلیمی و تحصیلی را عملاً استیلاء کردند و از زمینه قلبی، ولی خیلی کارآمد "آزادی بیان"، تا توانستند بهره جُستند و آنچه را در دل و دماغ خبیث و بی آزر خود داشتند، به صحنه درآورده رفتند. از طرف دیگر:

از طرف دیگر دیدن و خواندن و شنیدن از طریق مطبوعات کلاسیک و اینترنتی و رادیو و تلویزیون و مشاهده سیل ویرانگر اصطلاحات خاص ایران در زبان و قلم هموطنان ما، نهیبی در گوشم زده، متوجهم ساخت که تهاجمی در کار است و در حال تکوین. همان بود که مقوله "تهاجم فرهنگی ایران" را از طریق پورتال "افغان جرمن آنلاین"^۴ به میدان انداختم و این دقیقاً ده سال پیش بود!!! این عبارت در ابتداء عجیب و غریب و مسخره به نظرها رسید و بسا کسان - به شمول بعض دوستانم - بر من ایراد گرفتند، که چرا چنین کاری را در پیش گرفته ام. اما:

اما همان قسمی که گپ حق سرانجام به کرسی مینشیند، ترکیب "تهاجم فرهنگی ایران" نیز بر مسندی سنگین و آهنین نشست و آهسته آهسته طرفدار پیدا کرده رفت. این جریان آن قدر سر زبانهای هموطنان افتاد، که اینک آن را از هر کس و هر منبع و هر دستگاه سمعی و بصری میتوان شنید و دید - درین مورد ضمن مقالات بیشمارم فراوان سخن گفته ام. ضمن همین مقالات مگر بُعد خطرناکتر موضوع را نیز پیش کشیده بودم، که با تأسف نادیده گرفته شده است. این بُعد خطرناک، بُعد سیاسی موضوع بود، چون همیشه در هر موقع و هر سر بازار زده ام، که رژیم فاشیستی ایران از طریق "تهاجم زبانی و فرهنگی" میخواهد "سیاست" خود را در افغانستان پیاده کند - خواه در میدان فرهنگ و اقتصاد باشد و یا در عرصه های خاص سیاسی.

چنان که در بالا گفته شد، اولین ثمره شوم این تهاجم، در طرح و به میدان انداختن اصطلاح "افغانستانی" بود، که در ذات خود تفرقه قومی را دامن میزد و جامعه ما را به دو فرقه و به حساب "پشتون" و "غیر پشتو" - و حتی "ضد پشتون" - تقسیم میکرد. این که این تفرقه اندازی چه سودی را در دامن شوونیستهای جمهوری اسلامی و اهداف عظمت طلبانه و توسعه جویانه شان می اندازد، خارج از تصور کس نیست!!!!

ثمره دوم این تهاجم را اینک عملاً در بستر سیاسی افغانستان مشاهده میکنیم. حذف نام "افغان" از تذکره های الکترونیک، ثمره و بار عملی همین سیاست شوم ایران است و عملی ست، خلاف

^۴ - در آن زمان عضو پورتال "افغان جرمن آنلاین" بودم و شاید یکی از فعالترین اعضاء؛ و از همین طریق مقالات فراوان در زمینه های مختلف از زبان گرفته تا سیاست نشر میکردم.

مصالح ملی، خلاف تمام قوانین اساسی افغانستان، خلاف تمام تعاملات ملی و بین المللی - و بالاتر از همه خلاف خواست و اجازه مردم شریف ما و توده های ملیونی خاموش. گماشتگان ایران در دستگاههای مختلف دولت مستعمراتی کابل همه پلانهائی را که "استادِ ازل" خواسته است و بخواهد، در مرحلهٔ اجراء آورده اند و می آورند!!!

رژیم غیر انسانی جمهوری اسلامی ایران به کم و تُم قانع نیست، چون اصلاً نه نام "افغان" را میخواهد و نه نام "افغانستان" را و از صمیم قلب و اعماق دل آرزومند است، که هردو را به دست خود به گورستان بسپارد!!!

در همینجا باید به صراحت تام گوشزد کنم، که نه نام "آریانا" هویتِ مستقلی را برای خاک پاک ما داده میتواند و نه نام "خراسان". فقط با نام نامی و خوشایند و خوش ترکیب و خوشخرام و مطمئن "افغانستان" است، که کشور محبوب و معبود ما هویت مستقل از ممالک همسایه یافته میتواند، چون در نامهای "آریانا" و "خراسان" قسماً ممالک همسایه و بالخاصه ایران و پاکستان دخیل بوده میتوانند!!! بلی! فقط با نامهای بافتخار "افغان" و "افغانستان" است، که مردم و وطن ما هویت مستقل و بلاشریک به خود پیدا میکنند و بس!!!

همسایهٔ خدعه گر دیگر ما، پاکستان، مگر دست زیر لاشه ننشسته است، بلکه او هم از مجاری مسلحانه فتنه و آشوب را دامن زده میرود. دولت اوباش پاکستان از همان آوان ایجادش دست به دامن توطئه و حيله گری و بدماشی زد و اعمالش چنان آشکار است، که منکرش را کافر و مُباح الدم باید اعلام کرد.

بدبختانه افغانستان هیچ گاه از دغلبازی و دست اندازی همسایگان فارغ نبوده است و حالا که به یمن اشغالگری و بستن قرارداد ستراتژیک، زیر سیطرهٔ مستقیم امریکا و پیمان ناتو درآمده است، تکلیفش در ظاهر روشن است. تجاوز غرب تحت رژی امریکا بر افغانستان و آوردن و نصب دولتهای پوشالی و گوش بفرمان و فاقد صلاحیت و اهلیت، و خلق فضای آزاد برای نشو و نمای "دموکراسی وارداتی"، کار همسایگان طماع را آسانتر ساخته و دست مداخلات مستقیم ایران و پاکستان را در امور داخلی ما آزادتر گذاشته است.

و اگر به کلمات "افغان و افغانستانی" برگردیم:

مقالهٔ تحقیقی مؤرخ ۶ آگست ۲۰۱۵ و خیلی سودمند جناب حامد نوید، ریشهٔ تأریخی کلمهٔ "افغان" را به دست میدهد و بر فرض عام و غلطی که "افغان" را مُعادل "پشتون" میشمارد، یکسره خط بطلان میکشد. این تحقیق عالمانه، باد از بادبان و آب از آسیاب "افغانستانیها" میرباید، چون چنان که خواهیم دید "افغان" خلاف آنچه شهرت یافته است، نام کدام قوم خاص نیست، ازین رو دلیل وجودی ترکیب "افغانستانی" را از بیخ و ریشه ساقط میسازد!!! اگر در ده یازده سال پیش، هنگامی که جهاد با ترکیب نامعقول "افغانستانی" آغاز گردید، به چنین یک سند مُحکم و مستحکمی دسترس میداشتیم، یقیناً کار مبارزه آسانتر و کوتاهتر میشد و حریفان زودتر صحنه را ترک میکردند.

بر اساس همین تحقیق جامع هموطن ارجمند، دلسوز و آگاه ما جناب حامد نوید، "افغان" هیئت تحول یافتهٔ Avagáná "اوه گانا" از پراکریت و Asvakana "اسوه کانه" از سنسکرت و ... بوده و در معنای "سوارکار" و "سوارکارِ دلیر" است؛ و فارغ از بهانه گیریهای که دشمنان وطن زیر نام "قومی بودن" نام "افغان" و "افغانستان" مطرح میکنند!!! مطالعهٔ عمیق و دقیق و مفصل این مقالهٔ تحقیقی را در سایتهای مختلف انترنتی سفارش میکنم!!!

حالا؛ ولو که بیخ و ریشه کلمه "افغان" علماً نشان داده شده و فارغ از قوم و قومیت هم ثابت گردیده باشد، "بهانه گیر را بهانه بسیار است!!!"
ولو دستاویز قومیتی کلمه "افغان" هم دفع و رفع گردیده باشد، دولت مزور و طماع و بدکردار ایران بهانه ها و فتن بسیار دگر را زیر سر دارد، تا کار همسایه شرقی خود را یکسره سازد.
در قدیم میگفتند:

"یار بد، بدتر بود از مارِ بد!!!"

و یا

"مارِ بد بهتر بود از یارِ بد!!!"

مگر در زمانه ما که نیش گزنده همسایگان آزمند و بدکنش را خورده میرویم، باید در صدد درست کردن وجیزه جدید و شامل حال امروزی وطن برائیم!!!
زنان پیچه سفید کابلی نفرین و بددعا(دعای بد) را بسیار یاد داشتند و اگر از کس آزاری میدیدند، نفرینهای ذیل را نثارش میکردند:

- روزیت در بال کفتر!!!

- نان از پیش و تو از پشتش!!!

- بخت از پیش و تو از پشتش!!!

- سرچک و سرنگون شوی!!!

- در توپ چاشت بُری!!!

- نامگیرک نامته(نامت را) بگیره!!!

- تیر پر خون بُخوری!!!

- مورده شوی ببریت(ببردت)!!!

- الهی! گوله غیبی در سینیت(سینه ات) بُخوره!!!

- الهی! زیر موتر لاری شوی!!!

- الهی! توته توته ببُشمش!!!

- الهی! او خوش از گلونش تیر نشه!!!

....

چه طور است، که دست همسایگان بداندیش وطن را به دست زنان سرسفید کابلی بسپاریم، تا خود آنچه از نفرین و دعای بد در چانته دارند، نثارشان بکنند؟؟؟؟؟؟؟؟